

## يك تجربه كارگرى، ضروريات و موانع پيش رو

همزمان با دولت اصلاح طلب، توجه به ضرورت ايجاد تشكلهای مستقل كارگرى انگيزه اى شد كه جمعى از فعالين فلزكار- مكانيك جهت احيا سندىكا گرد هم آيند. لازم به ذكر است كه آن زمان فعاليت اين سندىكا به اجبار توسط دولت متوقف گشته بود اما عملا منحل نشده بود. همين امر سبب شد كه فعالين اين صنف براى جمع شدن جهت بازسازى سندىكا تلاش كنند. در همان ابتدا بر سر نامگذارى تشكلى اختلاف در گرفت. سندىكا يا انجمن صنفى؟ عده اى از دوستان با توجه به تجربيات گذشته و شرايط آن زمان معتقد بودند كه انجمن صنفى مناسب ترين گزينه براى فعاليت است. در مقابل اين نظر قرار داشت كه كار سندىكايى را نمى توان در چهارچوب انجمن صنفى انجام داد. دسته سومى هم بر اين نظر بودند كه اين تشكلى بدون نام سندىكا هم مى تواند همان كارکرد را داشته باشد.

در قانون كار صراحتا از سه نوع تشكلى ياد شده است: شورائى اسلامى كار- نمايندگى و انجمن صنفى. واضح است كه نماينده دولت يا همان وزارت كار تاسيس هيچ تشكلى را به جز اين موارد نمى پذيرفت. بعد از بحثهاى فراوان جمع فعالين به اين نتيجه رسيد كه پيگير تاسيس انجمن صنفى كارگران فلزكار مكانيك باشد. پيش نويس اساسنامه اى را تنظيم کرده و در جمعههاى مختلف بر روى بندهاى آن بحث شد. در همين راستا مجمع عمومى با حضور حداكثر اعضا براى بحث بر روى مفاد اساسنامه برگزار گشت. در نهايت بعد از مجادلات فراوان مفاد اساسنامه با حداكثر آرا تصويب شد و به توافق نهايى رسيد. در همان جلسات تعدادى به عنوان هيات مديره انجمن صنفى انتخاب شدند تا پيگير كارهاى ادارى و وثبت انجمن صنفى در اداره كار باشند.

ابتدا مدارك لازم به همراه صورت جلسه انتخابات و پيش نويس اساسنامه به اداره كار تحويل داده شد. حدود دو ماه بعد با توجه به تايد نشدن انتخابات به علت عدم حضور نماينده اداره كار، براى بار دوم مجمع برگزار شد و انتخابات تجديد گشت. حال بماند كه براى اين تجديد انتخابات چه مشكلاتى گريبانگير فعالان شد. متاسفانه بعد از انتخابات دوم، يكى از اعضا از نحوه اجرا به اين

اداره شکایت کرد که با وقفه طولانی رضایت وی گرفته شد تا پس از مدتها پیگیری تاسیس تشکل به همان مسیر اولیه بازگردد.

در آن دوره انتخاب تشکل انجمن صنفی توسط فعالان سندیکا بی ارتباط با سیاست نبود. مدیر کل اداره تشکلهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار - فردی با نام هوشمند که سابق برآن رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران بود- از طرف دولت اصلاح طلب مامور تقویت انجمنهای صنفی در مقابل خانه کارگر شده بود و اعضا معتقد بودند از همین فرصت می توان جهت تاسیس يك تشکل مستقل استفاده کرد. که صد البته همین انجمنهای صنفی، امید به شکل گیری يك تشکل مستقل کارگری را در نطفه خفه کردند.

بعد از طی مرحله اول یعنی تایید انتخابات، کارشکنیهای وزارت شروع شد. در واقع گذراز این هفت خوان رستم بیشتر به روند يك بازجویی شباهت داشت تا به مراحل ثبت يك انجمن صنفی. در همان گام اول صلاحیت اساسنامه را رد کرده و عنوان ساختند که ملاک عمل انجمن بایستی اساسنامه تنظیمی اداره کار باشد نه آنچه که اعضا در مجمع عمومی با حداکثر آرا تصویب کرده بودند! که تمام این کشمکشها با ائتلاف وقت و انرژی اعضا همراه بود. در نهایت هم به پرونده مهر حساسیت ویژه زده و به اداره کار استان ارجاع داده شد. این بار با مشاهده پافشاری فعالان کارگری در تاسیس انجمن صنفی و عدم انصراف آنها با وجود آن همه سنگ اندازی ، کار بررسی پرونده را به کارشناسان زبده تری واگذار کردند.

ایرادات جدید کاملاً نشان داد که امید به دریافت مجوز از وزارت کار يك دولت اصلاح طلب هم خیال پرداری بیش نیست. ابتدا از هیات مدیره خواسته شد که تعریف مشخصی از نام صنف « فلزکار- مکانیک» ارائه دهند. پس از توضیحات دوستان، عنوان کردند که گستردگی تعداد اعضاي انجمن مورد نظر شما نشانه ای است بر تلاش جهت تاسیس يك حزب کارگری نه انجمنی صنفی! یا این مسئله مضحک که باید شغل تمام اعضا را به وزارت اعلام کنید و اینکه نمی توان از تمام مشاغل کارگری در يك انجمن صنفی عضو گیری کرد. هر انجمن شامل يك صنف مشخص است و کلمه مکانیک را از نام انجمن حذف کنید. حتی کار به نقطه ای رسید که فعالان پیشنهاد دادند که

نماینده وزارت به چند کارگاه کارگری جهت تحقیق مراجعه کند تا برای آن اداره اثبات گردد که همه اعضا انجمن جزء کارگران فلزکار هستند.

در برابر خواسته حذف مکانیک از نام انجمن مقاومت شد. چرا که سنگر به سنگر و در طی ماهها وقت کشی، فعالان را به عقب نشینی از اصولشان وا داشته بودند. با گذشت زمان و تجربه مراحل پیشین، اعضا به این نتیجه رسیده بودند که حاصل پذیرفتن این ایراد آخری هیچ تفاوتی با نپذیرفتن آن ندارد. فقط با تسلیم در برابر آن فرصت تحمیل خواسته های زنجیروار بعدی را به وزارت کار تقدیم می کنند.

کار به جایی رسیده بود که کارشناس مربوطه خیلی صریح بازجویی می کرد.

- تیپ شما به کارگران نمی خورد!

- تشکل را برای چه می خواهید؟ ما که می دانیم می خواهید حزب تاسیس کنید.

- همه شما را می شناسیم. سابقه تان هدفشان را افشا می کند!

در نهایت وزارت کار با وجود پذیرفتن اساسنامه اداره کار و نظارت کامل آن بر انتخابات در یک روند فرسایشی در مدت دو سال و با حرفه ای گری تمام از ثبت انجمن صنفی سر باز زد.

از سوی دیگر این تشکل فارغ از ممانعت وزارت کار با مشکلات اساسی دیگری هم دست به گریبان بود. این مشکلات که درونی بودند مربوط می شد به حضور کم رنگ کارگران فلزکار- مکانیک در شکل گیری و پیگیری جهت ثبت و راه اندازی آن. برای اولویت بندی خواسته های صنفی و اتحاد حول آن نیاز به حضور دائمی و فعال خود کارگران بود که متأسفانه تامین نمی شد و به همین علت عمده فعالیتها بر دوش فعالان کارگری بود که بعضاً جزء صنف نبودند.

به این ترتیب پس از مدتی در عرصه عملی تنها یک جمع ثابت فعال کارگری حضور داشتند که با توجه به گرایشات مختلفشان، عمده انرژی انجمن صرف مجادلات درونی می شد. به همین علت این هیات مدیره ناهماهنگ، حرکت در مسیر تاسیس تشکل را لاک پشت وار ساخته بودند.

آفت مهم دیگر رشد فرقه گرایی در میان اعضا به جای همدلی و اتحاد عمل بود. گرایشات فرقه ای با نظرات غیر کارشناسی و بی اطلاع از مسائل کارگری اصرار داشتند که در بند اساسنامه نظرات فرقه مطبوعشان درج شود که همین مسئله تشکل را به یک مسیر غیرکارگری منحرف می کرد.

- تعدادی از موانع داخلی و خارجی ایجاد تشکل مستقل کارگری در ذیل جمع بندی شده است:
- ناآگاهی کارگران و فقدان فعالیتهای آموزشی متداوم
  - وابستگی فعالان به جریان‌های غیر کارگری
  - دخالت عوامل بیرونی و تحریکات آنها- فرقه‌ها و یا دولت- با هدف تفرقه افکنی میان اعضا
  - حضور کم‌رنگ کارگران در بدنه تشکل کارگری
  - اقدامات ناسنجیده و احساسی که کارگران را در معرض خشونت پلیس قرار می‌دهد مثل اعتصابات کور
  - عدم آگاهی فعالین نسبت به نحوه چانه زنی با ارگانهای دولتی جهت استفاده از حداقل امکانات و فرصتها
  - عدم ارتباط با کارگران واحدهای تولیدی در سطح منطقه و استان و در حالت ایده آل کشور
  - عدم ارتباط با رسانه های جهانی و بویژه تشکلهای منطقه ای و جهانی
  - بی توجهی نسبت به ضرورت توجیه خانواده اعضا نسبت به هزینه فعالیت در این تشکلهای
  - افراط و تفریط فعالین کارگری

هم چنین راهکارهایی که می‌تواند به روند ایجاد تشکل مستقل کارگری مساعدت کند:

- آگاه سازی کارگران نسبت به ضرورت ایجاد تشکل از طریق جزوه های آموزشی و نشریه ...
- ایجاد فضا برای مشارکت اکثریت کارگران در بحث ها و تصمیم گیریها
- شفاف سازی و مطالعه کارشناسی برای انتخاب نوع تشکل (در چارچوب قانون و غیر..)
- انتخاب کاربردی ترین نوع تشکل با توجه به ویژگیهای صنعتی ، صنفی و نوع تولید ( برای مثال در نظر گرفتن تمرکز کارگران در يك واحد تولیدی و یا گستردگی آن در واحدی دیگر)
- سنجش استقبال کارگران از تشکل مورد نظر
- درگیر ساختن کارگران فعال و جوان در تشکل
- مطالعه تاریخچه و چگونگی فعالیتهای تشکلهای دیگر
- ضرورت توجه به توازن قوا در رویارویی با هجمه کارفرما و دولت

- انتخاب هیات موسس از میان کارگران فعال، جسور و خلاقى که معتمد سایر کارگران می باشند.

- توجه به ضرورت مطالعه اساسنامه های دیگر پیش از تحریر پیش نویس اساسنامه

- رعایت مکانیسم شورایی در تصویب اساسنامه

- اجرای برنامه های خانوادگی برای همدلی بیشتر اعضا

در آخر لازم به ذکر است که این نوشته صرفاً روایت يك تجربه کارگری از زاویه دید نویسندگان آن می باشد. هم چنین آسیب شناسی یا پیشنهاداتی که در متن آمده اند نیز شامل این نسبت می گردد.

رزا وسینا